



نشریه شماره ۲۵
انجمن خیریه حمایت از
بیماران مبتلا به سرطان
(مهرانه)

مناجات

بارخدا، از تو راه خیر را می‌طلبم؛ که تو به آن آگاهی. پس هر چه خیر است برای من مقدر فرمای و به ما الهام کن شناخت راهی را که باید اختیار کنیم. و آن را وسیله‌ای ساز که به آنچه برای ما مقرر کرده‌ای راضی باشیم و در برابر حکم تو تسلیم شویم. پس غبار تردید از دل ما بزدای و ما را به یقینی مخلصانه یاری فرمای.

بارخدا، برای ما مخواه که در شناخت آنچه برای ما گزیده‌ای عاجز آییم، آنگاه تقدیر تو را حقیر شماریم و آنچه را خشنودی تو در آن است مکروه داریم و به راهی رویم که ما را از سرانجام نیک دور دارد و به غیر عافیت نزدیک گرداند.

در دل ما انداز که مطیع اراده و منقاد مشیت تو باشیم، تا در گذاردن هر کار که فرمان داده‌ای در آن شتاب ورزیم؛ درنگ نکنیم و در هر کار که خواسته‌ای درنگ کنیم شتاب نورزیم و آنچه را که تو دوست میداری ناخوش نینگاریم و آنچه را تو ناخوش انگاری اختیار نکنیم.

بار خدا، کار ما به راهی انداز که فرجامش پسندیده‌تر بود و سرانجامش بهتر، که هر فایده‌ای که از تو رسد گران‌بهاست و هربخشش که کنی عظیم است.

صحیفه سجاده، نیایش ۳۳



مهرانه در نیمسال اول نود و شش در یک نگاه

با حضور **مهندس اصغر وثوق**، مدیرعامل مهرانه و جمعی از معتمدان شهرستان میانه، دفتر مهرانه با انتخاب اعضای هیات اجرایی از سوی هیات مشورتی به صورت رسمی آغاز به کار کرد.

صندوق‌های مهرانه با نوشتار انگلیسی به منظور جلب حمایت از بیماران مبتلا به سرطان توریست‌ها جهت نصب در اماکن گردشگری سلطانیه و سایر اماکن تاریخی استان زنجان تهیه شد.

علی‌اصغر مونسان معاون رئیس جمهوری و رئیس سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری در ادامه سفر به استان زنجان از مرکز درمانی مهرانه بازدید کرد.

سیدحسین قاضی‌زاده هاشمی، وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در بازدید از مرکز رادیوتراپی انجمن خیریه مهرانه، این مجموعه را یکی از افتخارات ایرانیان دانست و افزود: وجود چنین تشکیلاتی در زنجان حاکی از وجود انسان‌های شریف و نועدوستی است که برای کاستن درد و رنج بیماران و خانواده‌های آنان دور هم جمع شده‌اند.

۱۸ تیم دانشجویی در جشنواره "دانشجوی آشپز" که با هدف ترویج غذای سالم و به همت کانون مهر دانشگاه آزاد اسلامی زنجان برگزار شد؛ شرکت کردند.

در بازدید هیئت بازرگانی فنلاند از مرکز رادیوتراپی مهرانه پارکو وورینن، رئیس دولت منطقه ای این کشور ضمن ابراز تعجب از استقرار مرکز درمانی در این وسعت و تجهیزات در ایران اذعان کرد که "مهرانه" غیرمعمول ترین روش درمان و خدمات‌رسانی را پیاده کرده است. سیستم مالی حاکم بر مهرانه کاملاً متفاوت تر از فنلاند است چرا که تمامی خدمات مراکز درمانی کشور ما از سوی دولت ارایه می‌گردد.

سند **۶ دانگ** گاراژ موسوی به ارزش ۱۰ میلیارد تومان در مرکز شهر توسط خیر بزرگ زنجانی، "حاج سید یاسین موسویان" به مهرانه اهدا شد.

حضور چهره‌های هنری چون استاد فریدون شهبازیان، محمد اصفهانی، محمد علیزاده در کلینیک مهرانه محمد اصفهانی: مهرانه حال دلم را خوب کرد. به دنبال طرح و ایده برای حمایت از مهرانه هستم. فریدون شهبازیان (رهبر ارکستر ملی ایران): ایشان ضمن ابراز خرسندی از اقدامات انساندوستانه مهرانه، آمادگی خود را در زمینه همکاری با این مرکز با استفاده از ابزار هنر اعلام کرد.

بر اساس گزارش کمیته منابع انسانی، میزان جذب نیروهای خیر بر اساس آمار فرمهای عضوگیری نسبت به سال قبل دو برابر شده است که این رقم اکنون به ۶۰۰۰ نفر رسیده است.

مسئول کمیته شهرستان، از حمایت مالی **۲۰ هزار** شهروند از مهرانه زنجان در شهرستان‌ها و مناطق تابعه خبر داد و افزود: به جز زنجان، تعدادخیرین فعال در حدود یازده دفتر مهرانه در شهرستان‌ها و مناطق تابعه نیز **۳۵۷ نفر** است.

حضور مهرانه در اکو کمیته آموزش و پیشگیری از سرطان، در سومین جشنواره بین المللی غذای اکو-جاده ابریشم، بیش از **۸۰۰** بروشور و پمفلت را به منظور ترویج غذای سالم بین شهروندان زنجانی توزیع کرد.

سقفی برای امید

در مهرانه چه می‌گذرد؟

روند درمان، مهرانه برنامه‌های آموزشی و مشاوره‌ای برای این افراد در نظر گرفته است. سفرها و اردوهای زیارتی و تفریحی، برنامه‌های پخش فیلم، اجرای موسیقی، برگزاری جشن‌ها، جلسات ختم قرآن و اجرای برنامه‌های مذهبی برای بیماران و نیز برنامه‌هایی چون عیادت خیرین از بیماران، از دیگر برنامه‌های مهمی است که در راستای تقویت روحیه مبارزه با بیماری برای مبتلایان و خانواده آنان صورت می‌گیرد. به طور خلاصه مهرانه با تمام قوا در تلاش است تا بیماری که با سرطان درگیر است سختی کمتری تحمل کند و مردم از سلامتی‌شان بیشتر مراقبت کنند.

مراجعه می‌کنند و مکانی برای اقامت ندارند. در کنار اقدامات حمایتی حین درمان، خانواده‌ی بیماران که به لحاظ مالی و معیشتی نیازمند هستند از طریق تهیه بسته‌های غذایی مورد حمایت قرار می‌گیرند. همچنین در راستای حمایت از فرزندان این خانواده‌ها حین درمان و جلوگیری از افت تحصیلی به دلیل مشکلات خانواده، واحد آموزش تحصیلی مهرانه کلاس‌های تقویتی برگزار می‌نماید. در زمینه پیشگیری از ابتلا به سرطان نیز در کنار برنامه‌هایی همچون ورزش صبحگاهی و کلاس‌ها و کارگاه‌های کاربردی، سه‌شنبه هر هفته کلاس آموزشی پیشگیری ویژه بانوان برگزار می‌نماید. در کنار این اقدامات، در راستای بهبود نگرش بیماران و خانواده آنان به بیماری و پویایی

انجمن خیریه مهرانه در راستای حمایت از بیماران مبتلا به سرطان همواره تلاش نموده که حمایتی همه جانبه و با در نظر گرفتن تمامی نیازهای بیماران و خانواده آنان ارائه دهد. بر این اساس، در حوزه درمان به لحاظ تامین دارو و موارد پاراکلینیکی و نیز به لحاظ تجهیزات درمانی، کلینیک مهرانه با پیشرفته‌ترین دستگاه‌ها و با همکاری کادر متخصص همواره در تلاش برای ارائه خدمات هرچه بهتر به بیماران است. در حوزه اسکان بیماران غیربومی و همراهان آنها، مهرانه با همت خیرین محترم خانواده مرحوم حاج احمد مهدوی، مهمانسرای مجهزی واقع در محوطه کلینیک با عنوان سرای نیکان تدارک دیده است که سه وعده غذایی برای بیماران و همراهان آنها در محیطی آرام بصورت رایگان ارائه می‌گردد که هزینه آن توسط خیرین تامین می‌شود. همچنین مهمانسرای تهران نیز آماده سرویس‌دهی به کلیه بیماران مبتلا به سرطان است که از سراسر کشور برای درمان به تهران





مهرانه

عشق بدون چرتکه



خداپرستی می‌مونه. بعضی از ماها فکر می‌کنیم خدا پرستیم در حالی که اداشو درمیاریم و وقتی به نقطه‌های حساس می‌رسه خدا رو فراموش می‌کنیم و یا نادیده می‌گیریم. اما من در مهرانه عشق رو دیدم چون چیزی روی چرتکه و حساب و کتاب نبود. وارد مهرانه که میشی کاری ندارن فقیری یا پولدار، فقط کارت رو انجام میدن و این یعنی عشق بدون چرتکه.

■ **خیلی از بیماران در مهرانه هستن که لبخند از روی لب‌هاشون پاک شده؛ چه ایده‌ای دارید برای این که بشه اون لبخند رو بهشون برگردوند؟**

شاید هر کسی جای من بود می‌گفت من یه کنسرت میدارم؛ همه بیان لذت ببرن و برن اما من اعتقاد دارم که باید یه کار فرهنگی و اصولی بزرگ انجام بشه و برای این کار من با همه توان در خدمت مهرانه هستم اما راستش با کارهای کوچیک خیلی می‌ونه خوبی ندارم.

■ **و آقای علیزاده حرف آخرتون رو می‌شنویم.**

من بابت احداث این مجموعه‌ی عالی به همه تبریک میگم و آرزو می‌کنم مشابه مهرانه در شهرهای دیگه‌ی کشور هم تاسیس بشه و بیمارانون دغدغه‌ای جز مبارزه با بیماری نداشته باشن. خوش به حال مریض‌های زنجان به خاطر داشتن مهرانه چون با وجود مهرانه بهترین امکانات و خدمات درمانی رو در دسترس دارن.

شاید پیش اومده خیریه‌ای رفته باشین که با نشون دادن بیماران و یا بیان مشکلاتشون سعی کردن مهمون رو تحت تاثیر قرار بدن؛ اما ما تمام سعی‌مون رو کردیم که شما بیمارهای کمتری رو ببینید و بیشتر حواستون معطوف به خود مجموعه باشه.

■ **با این اوصاف می‌خوام نظرتون رو راجب خیریه‌ی مهرانه بفرمایید.**

امروز خیلی خوشحال شدم بابت این بازدید چرا که تا بحال از مراکز مختلفی بازدید کردم و شاهد مشکلات بیماران بودم اما مشابه مهرانه رو کمتر جایی دیدم. فکر نمی‌کردم در زنجان چنین مجموعه‌ای باشه. اینجا موقع ورود، ایدا حس یک محیط درمانی رو القا نمی‌کنه و حتی مثل یک هتل خوب به نظر میاد. متأسفانه در بعضی مراکز به جای بهتر کردن محیط، بدتر غم آلودش می‌کنن اما در مهرانه واقعا تلاشی که برای بهبود روحیه بیمار شده کاملاً مشهوده. این‌ها مسائلی هستن که از لحاظ روانشناسی باید دربارش فکر بشه و برای ساختن محیط شادتر از اصحاب هنر استفاده بشه که در مهرانه به این توجه شده.

■ **نظرتون راجب هتلی که به عنوان محل اقامت بیماران ساخته شده چیه؟**

در اینجا خدمات خیلی جالبی برای بیماران در نظر گرفته شده و همه جوانب رفاه اون‌ها در نزدیک‌ترین محل ممکن تامین هست و این یعنی احترام گذاشتن به شان انسان و انسانیت. این ارزشی که دوستان در مهرانه برای بیمار قائل هستن ذره‌ای از شانی هست که خدا برای انسان قائله و قطعاً مورد توجه خدا قرار می‌گیره.

■ **اگر بخواین یک جمله در وصف مهرانه برای ما به یادگار بزارین چی می‌گید؟**

“مهرانه، عشق بدون چرتکه”

■ **میشه بیشتر راجب جمله‌تون توضیح بدین؟**
من همیشه در کنسرت‌هام میگم عشقی که بره روی چرتکه عشق نیست؛ ادای عشقه. این قضیه مثل توهم



سرطان و اتفاقاتی خوب



می شنیدم که می گفتن بیچاره سرطان داره و معلوم نیست که چقدر می خواد عمر کنه. این حرفها داغونم می کرد. دوست داشتم داد بزنم و بگم که من با این بیماری کنار اومدم، شما چرا کنار نمیاین؟ چرا فکر می کنین آخر راهمه؟ خواهم از اطرافیان بیمارها اینه که فکر نکنین وقتی یکی سرطان می گیره باید از زندگی ناامید بشه؛ شاید خیلی بیشتر از شما عمر کنه.

■ **همسر تون در بهبود شما چطور نقش داشتن؟**

من تو دوره ی شیمی درمانی خانمهایی رو می دیدم که همسرشون برای ملاقات هم پیششون نمی اومدن و حتی ترکشون کرده بودن. ولی همسر من واقعا یه فرشته ست و با محبت هاش تونست من رو به زندگی برگردونه. بعد شیمی درمانی یه روز که دستمو توی موهام بردم، مقدار زیادی از موهام اومد تو دستم. اون لحظه احساس کردم همه چی برام تموم شده. همسر من وقتی منو تو اون حال دید گفت اون موها دوباره درمیا؛ تا اون موقع می خوام یه بازی کنیم. می خوام موهای خودم و تورو کوتاه کنم ببینیم کی با موی کوتاه خوشگل تر می شه. وقتی موهای منو با ماشین می زد، قطره های اشکش روی سر بی موی من می افتاد.

■ **بزرگترین درسی که از این بیماری گرفتین چی بود؟**

این که سرطان آخر راه نیست.

■ **چه صحبت هایی با بیماران و خیرین مهرانه دارید؟**

راه درمان سرطان شیمی درمانی و پرتودرمانی و باید این مراحل رو طی کنن تا دوباره سلامتشون رو به دست بیان. اما اگه خدایی نکرده نشد هم امیدوار باشن که نفس می کشن و می تونن یه مدت بیشتر تو این دنیا و پیش عزیزانشون باشن.

برای خیرین آرزوی سلامتی می کنم و ازشون کمال تشکر رو دارم و از شما جوون ها می خوام که قدر جوونی و سلامتی تون رو بدونین. توی دوران بیماریم یه روز رفته بودم جمرکان به خاطر هوای بادی که داشت گرد و غبار بلند شده بود؛ همه افراد عادی مژه هاشون نمی داشت مشکلی براشون پیش بیاد، اما اون موقع من همه مژه هام ریخته بود. اون لحظه فهمیدم من قدر دونه دونه ی مژه هام رو ندونستم اما الان که خدا رو شکر سلامتیم برگشته، دست به مژه هام می کشم و خدا رو شکر می کنم. در کل می خوام بگم سلامتی مثل یه تاج روی سر آدماست؛ مراقب تاج هاتون باشین.

می ارزید به این که این نگاه رو پیداکنین؟ با اتفاقاتی خوبی که تو مهرانه برام رقم خورد فهمیدم خیلی آدم خوشبختی هستم. از لحاظ روحی خیلی تغییر کردم و شاید آدم دیگه ای شدم و می تونم بگم بله! می ارزید. من آدم غریبی بودم تو زنجان چون خانوادم تو ارومیه هستن. ولی الان انگار یه خونواده دیگه پیدا کردم. خانم بازگان هم که حکم خواهر رو دارن و آقای مهندس وثوق که برای بیماران مثل یه پدر مهربان هستن.

■ **با این تجربه ها خودتون هم تصمیم گرفتین بعد از بهبودتون کار خیری انجام بدین؟**

بله، با چیزهایی که اینجا یاد گرفتم دوست دارم در حد وسعم پناهگاه بودن رو تمرین کنم. به خصوص

**من با این بیماری
کنار اومدم، شما چرا
کنار نمیاین؟
چرا فکر می کنین
آخر راهمه؟**

دوست دارم در زمینه ی آگاهی دهی به مردم فعالیت کنم، چون اگه خودم آگاهی الانم رو داشتم، شاید این اتفاق ها برام نمی افتاد و با چیزهایی که این جا یاد گرفتم می خوام در حد توانم راهنمای اطرافیانم باشم.

■ **چه عواملی باعث شد که شما به بیماری غلبه کنین؟**

علاوه بر توکل به خدا و نیرویی که خدا به من می داد؛ خونوادم نقش موثری تو بهبودی من داشتن. محبت های همسر، مادر و دختر کوچولوم امید به زندگی رو در من زنده می کرد. این مواقع حتی یه نگاه گرم عزیزت یا یه کلمه ی محبت آمیز می تونه زندگی رو بهت برگردونه.

■ **بر خورد اطرافیان تون چطور بود؟**

خیلی جالب نبود. مثلا تو یه جمعی که می رفتم خودم

سلام لطفا خودتون رو معرفی کنید؟
نسرین عزیزی هستم، ۳۱ ساله و متولد ارومیه

■ **کی متوجه شدید با سرطان درگیر هستید؟**

تیر ماه سال ۹۴ بود که همسر من به خاطر بیماری مننژیت در بیمارستان بستری بود و من اونجا از پرستارها می شنیدم که برای تشخیص و پیشگیری از سرطان باید هر چند وقت یکبار چکاپ شد. تا این که یه روز غده کوچیکی تو سینه من حس کردم و دکتر رفتم که تشخیصشون سرطان سینه بود.

■ **چه طوری با مهرانه آشنا شدین؟**

می شه گفت توسط بیماریم با مهرانه آشنا شدم. وقتی متوجه بیماریم شدم، نمی دونستم جایی به اسم مهرانه هست. سر درگم بیماریم بودم و نگران هزینه های درمان، که خانم دکتر مقیمی مهرانه رو بهم معرفی کردن.

■ **شاکلی شدن از زمین و زمان؟**

اگه بگم نه دروغه. هزاران بار گفتم خدایا چرا من؟ وقتی اومدم خونه سجاده رو باز کردم، تسبیح رو برداشتم و از شدت عصبانیت پارش کردم و به خدا گفتم تو که داری با من این کارو می کنی فکر می کنی دیگه سراغت میام؟! نیام؛ چون خیلی دارم عذاب می کشم و تو زندگیم خیلی سختی کشیدم.

■ **پس چی شد با خدا آشتی کردین؟**

آونقدر ازش مهربونی دیدم و اتفاقاتی خوب تو این مرضی برای من افتاد که باعث شد یه بار دیگه به خدا نزدیک بشم. انگار خدا با این مرضی منو یک بار دیگه بغل گرفت و حتی با خودم گفتم خدا منو دوست داره که این مرضی رو بهم داده؛ نه که مرضی چیز خوبی باشه، نه؛ اما به نظر من خدا با این بیماری می خواد بنده هاش رو بکشه طرف خودش.

■ **خاص ترین تجربه ای که تو بیماری تون به دست آوردین چی بود؟**

فهمیدم که باید خواسته هامون رو فقط از خدا بخوایم. گاهی آن قدر درگیر واسطه ها هستیم که از خودش غافل می شیم.

■ **قدرت شما بیشتره یا سرطان؟**

قدرت ما آدمای خیلی بیشتره. لزومی نداره بگیم من بردم یا سرطان؟ همین که بتونیم با سرطان کنار بیایم و بدونیم شیمی درمانی می تونه بهترمون کنه و تو روند معالجه تاثیر مثبت بگذاره، قدم خیلی بزرگیه... همین می تونه باعث بشه که چندین سال زندگی کنیم و حتی شاید تا آخر عمرمون مشکلی برامون پیش نیاد.

■ **می خوام یه سوال سخت بپرسم؛ این بیماری**



مثبت بیاندیشیم



ما ندارند. سعی کنیم در مورد جنبه‌های مثبت زندگی و کارمان برای دیگران صحبت کنیم که شنیدن آن‌ها می‌تواند برای دیگران هم جالب باشد.

اگر به تمام لحظات زندگی‌مان فکر کرده و آنها را مرور کنیم، می‌بینیم که در طول زندگی لحظات خوشایند و لذت بخش زیادی برای ما رخ داده است؛ پس چرا به جای فکر کردن به لحظات شاد و زیبای زندگی‌مان به لحظات سخت فکر کنیم و با این کار لحظات تلخ دیگری بیافرینیم؟ به طور کلی مثبت اندیشی و نیز افکار منفی هر دو امری قابل سرایت است. بنابراین می‌بایست سعی کنیم به جای اینکه اجازه دهیم افکار منفی دیگران بر ما تأثیر گذارد؛ با گفتار مثبت خود اندیشه‌ها و افکار مثبت را به دیگران منتقل کنیم و به آنها بیاموزیم که افکار منفی‌شان را کنار گذاشته و اندیشه‌های مثبت را جایگزین کنند. با این کار می‌توانیم در کنار کمک به اطرافیان، روحیه مثبت‌اندیشی خود را نیز تقویت کنیم.

مساله‌هاییست که قرار است ذهن ما را به چالش بکشد تا راه‌حل بیافرینیم و در مواجهه با مشکلات به دنبال راه‌های مثبت و طلایی باشیم. خواهیم دید که با این نگرش حتی مشکلات هم گاهی می‌توانند جذاب باشند. درست است دنیا سختی‌های خودش را دارد ولی باید تغییر نگرش را یاد بگیریم.

در اطراف ما ممکن است افرادی باشند که نگرش منفی دارند و با افکار و گفتار منفی‌شان ممکن است باعث تضعیف روحیه ما شوند. باید سعی کنیم از چنین افرادی تأثیر نگیریم و نگرانی‌های مثبت خودمان را جایگزین نگرش‌های منفی کنیم. بسیاری از مردم در صحبت‌هایشان با یکدیگر مدام از سختی‌های کارشان، کم‌خوابی‌های شبانه و نداشتن استراحت گله می‌کنند و همین امر تأثیر منفی بر فکر آنها گذاشته و باعث خستگی و ناامیدی‌شان می‌شود.

با اطمینان می‌توان گفت که اطرافیان ما هیچ علاقه‌ای به شنیدن سخنان منفی

چیزی که کیفیت زندگی انسان‌ها را مشخص می‌کند؛ وقایع نیستند بلکه تفسیر و نگرش افراد نسبت به وقایع است.

باورها و اعتقادات و نوع برداشت هر فرد از وقایع زندگی است که، حالات او را طی شبانه روز می‌سازد. هر اتفاقی که در زندگی ما پیش می‌آید بسته به نوع نگرش ما ممکن است خوشایند و یا ناخوشایند باشد. در واقع سرمنشأ مثبت اندیشی باورهای ماست.

مثبت اندیشی به ما کمک می‌کند که بتوانیم تغییرات مفیدی در رفتار، گفتار، کار و زندگی خود ایجاد کنیم. برای مثال کلمات می‌توانند ما را بسیار هیجان زده، متأثر یا خوشحال کنند. پس دقت کنیم کلماتمان را در جهت مثبت و زیبا کردن افکار و احساساتمان به کار ببریم.

هیچگاه مشکلات و سختی‌های زندگی را لعن و نفرین نکنیم. این فکر که دنیا سرشار از مشکل است را دور بریزیم شاید اینطور باشد که دنیا سرشار از



دیروز، امروز و فردا با مینوش مقیمی



دکتر

مقیمی

جزو اسامی هستند که
غیر ممکن است نام مهرانه بیاید
و اسم ایشان نباشد ولی این بار
می خواهیم کمی از نزدیک با ایشان
آشنا شویم تا ببینیم دکتر مقیمی
مهرانه به چه فکر می کند و
چگونه می اندیشد؟

■ سلام خانم دکتر. ممنون که وقتتون رو به ما دادید. خودتونو معرفی می کنید؟
سلام من مینوش مقیمی متولد سال ۴۸ از کرمانشاه هستم ولی پدرم اهل اهر هستن.
■ می خوام برگردم به قدیم ها، اینکه کی اومدید زنجان؟

در شروع دوره تخصص باید مشخص کنی که بعد ۳ سال کجا می خوای فعالیت کنی. من زنجان رو انتخاب کردم چون هم زادگاه پدرم هست و هم متخصص آنکولوژی نداشتم.

■ در کدوم دانشگاه تحصیل کردید؟
دوره پزشکی عمومی رو دانشگاه ارومیه و تخصص رو در دانشگاه علوم پزشکی ایران و فوق تخصص رو هم از تهران گرفتم.

■ شما در دوران دبیرستان هدفتون پزشکی بود؟
بله هدفم فقط پزشکی بود. به این رشته باید واقعا علاقه داشته باشی نه این که بخاطر اسم و پولش بری دنبالش.

■ دنبال چی بودین تو این رشته؟
من کلا مطالعه رو دوست دارم. این که بخونم و یاد بگیرم؛ و احساس می کردم پزشکی رشته ای که خیلی از چیزایی که می خوام بدونم رو بهم یاد می ده. پدرم هم که دبیر ریاضی هستن خیلی تشویقم می کردن.

■ چند سالتون بود که تو زنجان شروع به کار کردین؟
اون موقع ۳۵ سالم بود.

■ وقتی شما شروع به کار کردین وضعیت زنجان در زمینه درمان سرطان چطور بود؟

اونموقع زنجان جزو معدود شهرهایی بود که در آنکولوژی عقب بود. کار رو از بیمارستان ولیعصر شروع کردیم که فقط یک بخش داخلی داشت. اون زمان مواجهه بودیم با هجمه ای از این نگرش که سرطان خوب نمیشه و همه مبتلایان فوت می کنن و معضل بعدی عدم اعتماد به بخش پزشکی زنجان بود که چطور می تونن سرطان رو درمان کنن.

■ این اعتمادسازی چطور شکل گرفت؟
اولین جذب ما بیماران کم درآمد و بی بضاعت بودن. چون کسانی که وضع مالی بهتری داشتن فوراً

دعوت کردن و از همون جا تجارب ما شروع شد.

■ اسم مهرانه از کی شکل گرفت؟

اسم اولش "انجمن سرطانی های زنجان" بود که بعدها با پیشنهاد حاج آقا جواهریان به اسم "مهرانه" تغییر نام داد.

■ از نیاز به ساخت کلینیک بگین.

بعد از راه اندازی بخش، مشکلات رو بررسی کردیم و دیدیم که بیمارانی که برای رادیوتراپی به تهران مراجعه می کنن جایی برای اقامت ندارن. بنابراین تصمیم گرفتیم جایی رو براشون تهیه کنیم و آقای دکتر تیبانی محلی رو با ۲ یا ۳ اتاق به مهرانه دادن که بیماران محدودی رو پوشش می داد و وقتی به مهرانه اعتماد بیشتری پیدا کردن ساختمان ۳ طبقه ای رو در خیابان ستارخان به این امر اختصاص دادن. اما ما به این هم قانع نشدیم و تصمیم گرفتیم رادیوتراپی رو به زنجان بیاریم و طی جلسه ای که داشتیم خبری قبول کردن پول زمین کلینیک رو متقبل بشن و در نهایت به فاصله ۵ سال از اون تصمیم تونستیم کلینیک رو افتتاح کنیم.

■ یادمه یه روز تو دفتر مرکزی که با آقای وثوق صحبت می کردین ایشون گفتن که رفتیم زیر بار وام اگه نتونیم پرداخت کنیم باید بریم زندان.

قضیه اون وام چی بود؟

وقتی می خواستیم دستگاه اول رو بخریم؛ چکی رو آقای گرانمایه آوردن که امضا کنم و من بدون نگاه

می رفتن تهران. ولی کم کم مراجعه کننده بیشتر شد. اولین مریض من که شیمی درمانی کردیم، پسر جوانی بود که سرطان خون داشت و خدارو شکر پیوند و درمان شد و الان زنده و سلامت. به تدریج که اعتماد مردم بیشتر شد و بیمارها زیاد شدن؛ مردم دیدن که میشه کارایی کرد؛ افرادی پیدا شدن از جمله آقای دکتر خانی که با حمایت ایشون انتهای بخش داخلی رو یک شیشه کشیدن و دوتا اتاق به ما دادن. این اتاق ها کم کم گسترش پیدا کرد و وقتی دیدن که مریضا دارن زیاد می شن، یک فضای کوچیک با ۲ تا اتاق رو دادن بهمون به عنوان درمانگاه.

■ مهرانه چطور وارد زندگی شما شد؟

دیدم که ازین بیشتر نمیشه توی سیستم دولتی جلو رفت تا این که به فکر کمک گرفتن از خیرین افتادیم. یه مدت پرس و جو کردیم و در نهایت یکی از همکارا گفتن من با یک خیر هماهنگ کردم که صحبت کنین و اون خیر حاج آقا وثوق بود. تابستون ۸۵ بود که رفتم دفترشون و مشکلات رو توضیح دادم. ایشون جزو معدود افرادی بودن که تو جلسه اول توجیه شدن. به تدریج جلساتی رو برگزار کردیم که در این جلسه ها آقای گرانمایه و برخی معتمدین شهر بهمون ملحق شدن. آقای گرانمایه که با تجربه تر بودن پیشنهاد دادن یک انجمن تاسیس کنیم و افراد مختلفی رو به جمعمون



شکفته شده و تغییر رفتار داده و بیماری هم داشتیم که الان ۱۰ ساله میاد و هنوز هم می‌گه چرا من؟ متأسفانه افرادی که واقعا تغییر می‌کنند در صدشون خیلی کمه و در مورد اون درصدی هم که تغییر نمی‌کنن باید حمایت‌های روانشناسی برای خودشون و خانوادشون انجام بشه. کسانی که بیمار می‌شن فقط دغدغه‌ی بیماریشون رو ندارن بلکه مسائل خانوادگی، فرزندان، مشکلات جامعه، بیکاری و... هم هست. اگه فقط بیماری بود شاید این درصد خیلی بالاتر می‌رفت.

■ از مهرانه درس هم گرفتین؟

یاد گرفتم که آدم‌ها و جامعه رو بهتر بشناسم. من بارها اینجا افرادی رو دیدم که شبیه اونچه که می‌گفتن نبودن و در واقع پای کار میشه افراد مدعی رو از افراد کار بلد و کاری تشخیص داد. بعضی از افرادی که میومدن دو تا انگیزه‌ی مهم داشتن؛ اولی پول و دومی قدرت. وقتی می‌دیدن که به هیچ کدوم نرسیدن می‌رفتن. علاوه بر این‌ها من تجربه‌ی ارزشمند کار گروهی به دست آوردم، این مساله در کشور ما یکمی مشکل هستش اما در مهرانه به خوبی تحقق پیدا کرد.

■ کار انجام نداده دارین؟

یکی از مواردی که خیلی بهش فکر می‌کنم این هست که وقتی به دهه‌ی ۵۰ می‌رسیم، حتما باید یک یا چند مهارت داشته باشیم. حالا می‌تونه مهارت ورزشی باشه یا هنری یا هر زمینه دیگه. چون وقتی که سن و سال زیاد می‌شه آدم خیلی از توانایی‌هاش رو از دست می‌ده. وقتی که دیگه نتونستی خوب ببینی و خوب بشنوی لاف‌ل با اون هنر و مهارت می‌تونی خودت رو مشغول کنی. یکی از کارهایی که نکردم به‌دست آوردن این مهارت‌هاست. و یکی دیگه از کارهایی که همیشه دغدغه‌ش رو دارم این هست که تمام تلاشم رو برای جذب نیروهای فوق-تخصص به‌کار بگیرم تا نیروهای مورد نیاز بیمارستان تکمیل بشه که اگر روزی نبودم کاری کرده باشم که این بستر پایدار بمونه.

■ الان شما یک سری حرف‌ها زدید که چکیده‌ی تجربیات زندگیتون بود به‌نظر تون ما می‌تونیم این تجربیات رو درک کنیم؟

باید خودتون ببینید و حس کنید. این که بگم من فلان کار رو کردم و موفق شدم پس دیگری هم با این مسیر به موفقیت می‌رسه کاملا غیرممکن خواهد بود؛ چون راه هرکسی متفاوت. ولی خب یک سری مسائل کلی مثل زندگی کردن در حال، انرژی، شکرگزاری، کلام خوب، کم کردن وابستگی‌ها و... هست که این نگرش‌ها ثابتن. یکی از کارهایی که خیلی کمکم می‌کنه نوشتن. چون به نظرم یکی از وظایف هر فردی این هست که چیزی از خودش به‌جا بذاره و تجربیاتش رو ثبت کنه. حالا نه این که در سطح گسترده بنویسم ولی دوست دارم جوری باشه که متنی برای بچه‌های خودم به‌جا بذارم.

■ حرف آخرتون با بیماران و کسانی که نشریه رو می‌خوان چیه؟

فقط می‌خوام بگم که زندگی رو باید حس کرد و شاد بود با همه سختی‌هاش. سختی رو باید رد کرد. بذاریم رد شه و از دور بهش نگاه کنیم و ازش درس بگیریم و به پله بریم بالاتر. ممکنه این پله‌ها ناصاف باشن و حتی مارپیچ باشه و شاید هم بیفتیم؛ ولی دوباره باید بلند شیم و ادامه بدیم و زندگی کنیم.

این حال اگر خودم باشم دوست دارم تا آخرش زندگی کنم و هنوز این طرز فکر رو قبول ندارم. من فکر می‌کنم در اون درد هم حکمتی هست. ما در اومدن و رفتنمون دخیل نیستیم که بخوایم تصمیم بگیریم و بنابراین نباید دخالت کنیم.

■ پس به حکمت اعتقاد دارین؟

بله کاملا معتقدم. من توی زندگیم بالا و پایین زیاد داشتم و با تجربه کردن همه‌شون به این نتیجه رسیدم که در هر کاری حکمتی نهفته‌ست. به همین دلیل من به همه بیمارام می‌گم اونقدر به خودتون نگید چرا من؟ چون فعلا شاید نتونی جوابی پیدا کنی و بی‌خودی درگیر این سوال می‌شی. شاید بعدها وقتش برسه که به حکمتش پی ببری.

■ به عنوان یک پزشک فکر می‌کنید چقدر قدرت دارید؟

هیچ قدرتی... ما فقط کمک کننده‌ایم. من به همه همراهان بیمار همون ابتدا توضیح می‌دم که از لحاظ علمی روند این بیماری چطور هست ولی به‌طور قطع فقط علم تعیین کننده نیست. توکل، تسلیم، حکمت و امید هم هست...

تمام تلاش مهرانه بر این بوده که پول مردم رو به خدمت تبدیل کنه؛ وضعیت مالی رو شفاف کنه و براساس نیاز جلو بره.

■ به بچه‌ها تون هم توصیه می‌کنید مسیر شمارو برن؟ من خیلی عوض شدم. همیشه فکر می‌کردم چون من این مسیر رو رفتم و موفق شدم؛ دخترم هم باید این مسیر رو بره در حالی که دخترم روحیه متفاوتی داره. به نظرم سخت‌ترین کار زندگی بچه بزرگ کردنه. به‌ویژه در دوران بلوغ. برای این که با یک انسان مجهول مواجهی و باید بدونی که تو کارهای نیستی و فقط باید بستر رو فراهم کنی تا اون چه فطرتش هست رو شکوفا کنه و شکل بده، تو صاحب اون نیستی.

■ گفتین که اولین بیمار تون هنوز زنده‌س؟

بله. اولین بیمارم یه پسر ۱۸ ساله به اسم افضل بود. اون زمان امکاناتمون خیلی کم بود و به خانوادش گفتیم که اگر می‌خواید بپریدش جای دیگه ولی گفتن نه می‌خوایم همین‌جا درمان شه و درمان هم شد. موردی بود که باعث اعتماد سازی شد در وهله اول برای پرسنل و همکاران. باعث شد در کادر این اعتماد ایجاد بشه که در زنجان هم می‌شه سرطان رو درمان کرد. ولی به دلیل عدم آشنایی پرستارها با کار شیمی‌درمانی، کار پراسترسی بود؛ چون هنوز پرستارها با روند شیمی درمانی آشنا نبودن؛ ولی به هر حال برای من پر از تجربه و یادگیری بود.

■ سلامتی از نظر پزشکی برای فردی که مبتلا به سرطان شده و بهبود پیدا کرده با فردی که مبتلا نشده چطور تعریف می‌شه؟

بستگی به فرد داره. من بیماری داشتم که با این بیماری

کردن به مبلغش امضاش کردم. ایشون گفتن به مبلغ نگاه نمی‌کنی گفتم که لازم نیست چون طرف معامله خداست بنابراین دلیلی برای نگرانی وجود نداشت و شاید اگر من نوعی و حاج آقا وثوق این ریسک رو نمی‌کردیم شرایط یکم سخت می‌شد.

■ یعنی شما مسئولیت چه مبلغی رو تقبل کردین؟

فکر می‌کنم چک ۱/۵ میلیاردی بود که من و حاج آقا وثوق امضا کردیم.

■ این رقم ۱/۵ میلیارد از طریق کمک‌های مردمی تامین نمی‌شد؟

پول دستگاه ۳ میلیارد بود و کل موجودی مهرانه ۱/۵ میلیارد. بنابراین ما نصف هزینه رو کم داشتیم و وام گرفتیم تا دستگاه که در گمرک بود آزاد بشه و خدمات به بیمار عقب نیفته.

■ مهرانه تا به امروز چقدر تونسته به ایده‌آل‌های حوزه‌ی پزشکی نزدیک بشه؟

می‌شه گفت خیلی نزدیک. وجود مهرانه در زنجان باعث شده هیچ "نه"‌ای در خدمات پزشکی برای بیمار وجود نداشته باشه. به‌علاوه از عوامل پیشرفت دانشگاه علوم پزشکی هم بوده و ما الان دانشجوی فوق تخصص هم می‌گیریم که کمتر دانشگاهی در سطح کشور این توانایی رو دارن.

■ فکر می‌کنید علت اعتماد مردم نسبت به مهرانه چی بود؟

با افتتاح رادیوتراپی، هویت مهرانه عوض شد و مهرانه دیگه فقط یک واحد کمک‌رسانی نبود بلکه شکل درمانی هم به خودش گرفت و کارهای نویی که اینجا انجام شد باعث شد که مهرانه در کل کشور مطرح بشه. فکر می‌کنم دلیل عمده جذب این تعداد خیر اعتمادسازی بود که توسط کادر مهرانه صورت گرفت. به عنوان مثال وقتی شبیه‌های در مورد مهرانه از کسی شنیده می‌شد تا حد امکان برای شفاف‌سازی و آشنایی بیشتر اون فرد با مهرانه اقدام می‌کردن و این روند باعث شد در نهایت این افراد هم به خیرین و مبلغین مهرانه بپیوندن. تمام تلاش مهرانه بر این بوده که پول مردم رو به خدمت تبدیل کنه. وضعیت مالی رو شفاف کنه و بر اساس نیاز جلو بره و همه‌ی این‌ها باعث شد مهرانه به چیزی که الان هست تبدیل بشه.

■ تا حالا شده که با دیدن بیمارها به خدا بگید چرا این کارو می‌کنی؟

نه من اصلا این نگرش رو ندارم. با این که هنوز از نظر علمی ثابت نشده اما به نظر من سرطان نتیجه ذهن مغشوش افراد و علت این امر هم می‌تونه جامعه باشه. در بیماری سرطان ما با یک سلول وحشی مواجهیم که در بدن، مثل یک آدم وحشی در محیط جامعه می‌تونه آسیب بزنه. بنابراین وقتی در جامعه‌ای آرامش مختل بشه و استرس‌ها افزایش پیدا کنه، سرطان هم افزایش پیدا می‌کنه. از عوامل دیگه‌ای که باعث گسترش این بیماری در سطح جهان شده صنعتی شدن زندگی هست. مثلا ۱۰۰ سال پیش که کشاورزی ارگانیزه بود بیماری‌هایی از این دست نداشتیم. بنابراین به نظر من سبک زندگی عامل تعیین‌کننده در ابتلا به این بیماریه.

■ سوئیس یه قانونی تصویب کرده این که بیماری که درد می‌کشه بنا به درخواست خودش به زندگیش خاتمه داده میشه. نظر تون چیه؟

خودم این درد رو تجربه نکردم که بخوام توصیف کنم این حس رو. ولی خیلی از این صحنه‌ها دیدم. با



انجمن خیریه مهرانه
Zanjan Cancer Care Charity

آدرس و شماره تماس دفاتر شهرستان ها

شماره تلفن دفتر و مسئول مربوطه	آدرس	شهرستان
۰۲۴-۳۵۲۲۵۹۳۹-۳۵۲۳۳۳۳۶ آقای امامی : ۰۹۱۲۷۴۶۷۳۶	خیابان طالقانی جنوبی، خیابان نواب شرقی، پلاک ۲۰	ابهر
۰۲۴-۳۵۵۲۷۴۴۹ خانم صبغی : ۰۹۱۲۷۴۴۷۸۱۵	خیابان شهید مصطفی خمینی، جنب گنجی سفید، پلاک ۹۳، دفتر خرمدره	خرمدره
۰۲۴-۳۶۵۲۳۳۶۶ آقای یارمحمدلو : ۰۹۱۲۴۴۱۰۶۱۶	خیابان آژادگان، نبش خیابان شبنم جنوبی، دفتر مهرانه دندی	دندی
۰۲۴-۳۲۸۲۵۰۴۸ آقای حیدری : ۰۹۱۲۷۴۴۲۱۰۸	آبهر، خیابان امام، جنب داروخانه دکتر پورشیوا، دفتر مهرانه طارم	طارم (آبهر)
۰۲۴-۳۵۶۲۰۷۳۳ آقای اسماعیلی : ۰۹۱۲۴۴۲۵۰۳۸	خیابان امام، نبش خیابان مدرس شرقی، دفتر مهرانه صائین قلعه	صائین قلعه
۰۲۴-۳۴۴۱۲۴۵۷ آقای محمدی : ۰۹۱۲۴۴۲۳۵۴۳	میدان معلم، ابتدای بلوار شهید چمران، جنب مگاسی معلم	خدابنده
۰۲۴-۳۶۲۲۴۳۳۵ آقای آدینه : ۰۹۱۲۴۴۱۱۷۵۰	خیابان اسلام، بالاتر از سمراهی ینگجه شهید مطهری، دفتر مهرانه ماهنشان	ماهنشان
۰۲۴-۳۵۷۵۱۸۹۳ آقای صالحی : ۰۹۱۲۳۴۴۴۵۲۱	خیابان حکیم هیدجی، جنب مسجد جامع، دفتر مهرانه هیدج	هیدج
۰۲۴-۳۵۸۲۴۶۷۰ آقای بابایی : ۰۹۱۹۲۴۲۵۲۹۹	خیابان ارگ، جنب بستنی علی بابا، دفتر مهرانه سلطانیه	سلطانیه
۰۸۷-۳۸۲۳۱۱۱۶ آقای علیخانی : ۰۹۱۲۹۲۸۶۷۰۹	خیابان شهدا، مجتمع آریکه گروس، طبقه ۴ واحد ۶	بیجار
۰۴۴-۴۵۵۳۴۶۷۰ آقای سلیمانی : ۰۹۱۳۹۶۸۲۰۴۱	خیابان انقلاب، خیابان فرعی شهید چمران، روبروی مدرسه محمدیه	تکاب
۰۴۱-۵۴۲۳۱۹۶۶ آقای اجلی : ۰۹۱۴۱۲۳۷۹۸۹	خیابان شهید مطهری، پایین تر از میدان معلم، کوچه شهید جباری پلاک ۱، طبقه اول	فیاضه





از واحدهای مهرانه چه خبر؟

پیام عشق و مهرورزی مهرانه به هم نوع درمسجدهای اهل تسنن شهرستان تکاب طنین انداز می‌شود.

جواد سلیمانی، مدیر اجرایی دفتر مهرانه در شهرستان تکاب استان آذربایجان غربی با بیان این که انجمن خیریه مهرانه فارغ از دین و مذهب و اعتقادات هر شخص تنها برای خدمت به هم‌نوع تشکیل شده است؛ بر لزوم اطلاع‌رسانی بین مردم جامعه در حوزه فعالیت‌های این مجموعه در درمان، اسکان، آموزش و پیشگیری تأکید کرد و با اشاره به توزیع بروشور و بسته‌های آموزشی انجمن در بین نمازگزاران اهل تسنن این شهر گفت: دفتر مهرانه در تکاب برای تحقق اهداف بشر دوستانه این مجموعه برای تبلیغ در بین برادران و خواهران اهل تشیع و تسنن، برنامه‌های تأثیرگذاری را اجرا خواهد کرد.

مهرانه ۶۳۵ قلک رادرشهرستان‌های استان زنجان و مناطق تابعه توزیع کرد

مینا ارغوانی‌فرد، مسئول کمیته قلک مهرانه از توزیع ۶۳۵ قلک دردفاتر ابهر، خرمدره، دندی، طارم، صائین قلعه، خدابنده، ماهنشان، هیدج، سلطانیه و بیجار استان کردستان در فروردین ماه سال ۹۶ خبرداد و گفت: از این میزان ۱۶ مورد مربوط به قلک زمینی، ۲۴۹ مورد مربوط به قلک مهر و ۳۷۰ مورد مربوط به قلک رومیزی بوده که با همکاری کمیته شهرستان مهرانه جهت مشارکت مردم در فعالیت‌های مهرورانه این مجموعه به شهرستان‌های هدف ارسال گردیده است.

برگزاری ورزش صبحگاهی در ماهنشان

مرتضی آدینه، مدیر اجرایی دفتر مهرانه در ماهنشان، با اشاره به برگزاری ورزش صبحگاهی در روزهای جمعه هر هفته در این شهر، از تشکیل تیم کوهنوردی در راستای نیل به برنامه‌های سلامت‌محور این انجمن خبر داد. وی اشاره کرد معتقدیم همکاری با ورزشکاران و بهره‌مندی از ظرفیت آنان مهرانه را در پیشبرد اهداف تعیین شده در حوزه سلامت و پیشگیری از ابتلا به سرطان یاری خواهد کرد.

اهدای درخت زیتون به مهرانه در طارم

۱۵ اصله درخت زیتون اهدائی به مهرانه در روستاهای «ونیسر» و «ارشت» طارم پلاک زنی شد. بر این اساس درآمد سالیانه محصول زیتون درختان اهدائی این خیر مهرورز از زمان انعقاد قرارداد به صورت دائم تا زمان حیات در اختیار مهرانه قرار می‌گیرد. البته پس از اتمام این زمان، امکان تمدید در صورت تمایل نزدیکان وجودخواهد داشت.

قلک دختر خردسال خرمدره ای به نفع مبتلایین به سرطان مهرانه به مزایده گذاشته شد

ستایش ۸ ساله که به گفته خودش برای کمک به بیماران مبتلا به سرطان تحت پوشش مهرانه قلک صورتی رنگ خود را به دفتر این مجموعه در خرمدره آورده بود؛ در جمع اعضای مشورتی این دفتر به مزایده گذاشته شد.

مبلغی که ستایش برای بیماران تحت پوشش به قلک انداخته بود ۶۷ هزار تومان به ثبت رسید که حاج محمود باباجمادی از بازنشستگان بانک ملی قلک را به قیمت یک میلیون تومان خریداری کرد. با احتساب یک میلیون کمک مالی آقای باباجمادی و کل مبلغ پیشنهادی سایر خیران شرکت‌کننده در مزایده (یک میلیون و ۶۵۰ هزار تومان) در مجموع ۲ میلیون و ۶۵۰ هزار تومان برای مبتلایان به سرطان خرمدره اختصاص داده شد. آقای باباجمادی یکی از خیران خوشنام در شهرستان خرمدره است که علاوه بر کمک‌های ماهیانه و موردی، هر روز کمک مالی خود را به قلک دفتر مهرانه در این شهرستان واریز می‌کند و سالانه هزینه قربانی حجش را به بیماران مهرانه اختصاص می‌دهد.



برنامه‌های پیشگیری مهرانه در خدابنده در قالب طرح «محلّه به محلّه» عملیاتی می‌شود

فاطمه شعبانی، مسئول کمیته بانوان و امداد و رفاه دفتر مهرانه در خدابنده ضمن تأکید بر لزوم ارائه خدمات آموزشی به دختران و بانوان این شهرستان در نقاط روستائی و شهری گفت: رویکرد سال ۹۶ دفتر مهرانه در خدابنده اجرای برنامه‌های سلامت محور این مجموعه در سطح «محلّه به محلّه» می‌باشد که در دستور کار مسؤولان و دست‌اندرکاران دفتر قرار گرفته است.

مسئول دفتر صائین قلعه از استقبال و پیگیری روستاییان جهت دریافت قلک و هدف گذاری این دفتر برای پوشش تمامی روستاهای این شهر خبر داد.



لطفاً
پول چای را داخل صندوق بگذارید
ممنون

دل‌های بزرگ رسمی ساده دارند ...



دستهای مهربان
شماره ثبت: ۲۷۰



شروع زندگی مشترک با مشارکت اجتماعی



مصاحبه با خانم ژاله چیان

■ اگه همسر شما می گفت که کل هزینه عروسی رو به مهرانه اهدا کنیم، حاضر بودید قبول کنید؟
من به این موضوع خیلی فکر کردم اما واقعیتش من همچنین قلب بزرگی ندارم ولی قطعاً این خیلی زیباست.

■ به نظرتون کسر شان محسوب میشه اگه مراسم هایی از این دست، کم تجمّل تر برگزار بشن و در عوض مقداری از هزینه به خیریه ها اهدا بشه؟
نه اصلاً این طور نیست. همیشه هزینه ها رو مدیریت کرد و زندگی رو با یه اتفاق خوب مثل کمک به مهرانه شروع کرد. من در این روزها مراسم هایی رو می بینم که با تولد یک نوزاد جشن هایی مثل عروسی برگزار می کنن که واقعا لزومی برای این کار نیست. این هزینه ی هنگفت می تونه برای تربیت بهتر اون بچه صرف شده یا این که به خیریه ها اهدا بشه.

■ به عنوان یک زنجان ی فکر می کنین مهرانه یک قطب هست برای گردشگری؟
بله صددرصد همینطوره و فکر می کنم تو ایران بی نظیره. انشالله روز به روز گسترش پیدا کنه و بتونه بیماران بیشتری رو تحت پوشش قرار بده.

■ به عنوان سوال پایانی، برای زوج های جوانی که در شرف ازدواج هستن چه توصیه ای دارید؟
من توصیه می کنم این که خیلی نگران حرف اطرافیان نباشن و تو مراسم شون به جای بخشی از هزینه ها هرچند خیلی جزیی هم باشه به خیریه ها کمک کنن. من باور دارم که برکاتش رو در زندگیشون خواهند دید.

■ شما کی با مهرانه آشنا شدید؟
من با مهرانه تقریباً از اوایل شروع فعالیت شون آشنا هستم و مادر بزرگم از خدمات مهرانه برای بهبودیش استفاده کرده. همین مساله باعث شد من از نزدیک با خدمات بی چشم داشت مهرانه آشنا بشم.

■ شما قبلاً هم به مهرانه کمک کردین؟
بله من اوایل از تیم های داوطلب کمک بودم، اما وقتی شاغل شدم نتونستم ادامه بدم. علاوه بر این ما همیشه تو خونه مون قلک پلکسی ثابت مهرانه رو داریم و دلیل این که قلک ثابت گرفتم هم این بود که می خواستم از مصرف پلاستیک جلوگیری کنم.

■ شما به عنوان کسی که در اطرافیان تون سختی سرطان رو دیدین به نظرتون برخورد با بیمار و خانواده اش چطور باید باشه و بهترین کمکی که میشه کرد چیه؟
بهترین کمک درک کردنشون هست، چراکه علاوه بر خود بیمار اطرافیانش هم بی نهایت حساس میشن. به نظر من باید روابط دیگران با خانواده و خود بیمار بیشتر بشه چون رفت و آمدها باعث میشه سر بیمار گرم شده و کمی از بیماریش دور باشه. به نظر من کمک روحی خیلی موثره و این که نباید تنهاشون گذاشت.

■ فکر می کنین مردم زنجان چقدر از کارهایی که مهرانه می کنه، خبر دارن؟
به نظر من اطلاع رسانی خیلی خوبه. دنیای مجازی، بنرها و به خصوص با وجود دفاتر در نقاط مختلف شهر اطلاع رسانی خیلی قوی انجام شده. ولی واقعا کسی تا با این بیماری درگیر نشه و خدمات مهرانه رو از نزدیک نبینه، شاید خیلی براش ملموس نباشه که مهرانه داره چه کار بزرگی انجام می ده.

■ سلام خانم ژاله چیان. خیلی خوش اومدین به مهرانه. ازدواجتون رو تبریک می گم و زندگی پربرکتی رو براتون آرزو می کنم. چند روزی هست که شنیدیم هزینه ی قربونی عروسی تون رو به مهرانه اهدا کردین. لطفاً خودتون رو معرفی کنین و بفرمایید چی شد که این تصمیم رو گرفتین؟

سلام. خیلی ممنونم. الّا ژاله چیان هستم و ۲۸ سالمه. واقعیتش اینه که ما تو خانواده مون نه یک بار بلکه چندین بار درگیر بیماری سرطان بودیم. در حال حاضر دو تا از دایی هام درگیر این بیماری هستن و مادر بزرگها و خاله م رو هم بابت همین بیماری از دست دادم. به همین دلیل مشکلات روحی و مالی سنگین درمانش کاملاً برام ملموسه. زمانی که داشتیم برای مراسم عروسی برنامه ریزی می کردیم، با وجود این که قربونی کردن جزء رسوم ماست؛ من خودم خیلی معتقد به این قضیه نیستم و با توجه به این که این قربونی دست افرادی می رسه که چندان بهش نیاز ندارن؛ تصمیم گرفتیم هزینه ی اون رو به یک خیریه بدیم. اولین جایی هم که به ذهنمون رسید، مهرانه بود و امید و اعتقاد دارم که خیرش به زندگی ما هم خواهد رسید.

■ همسر تون با این قضیه مشکلی نداشت؟
نه به هیچ وجه. انتخاب هر دومون بود.

■ براتون حرف مردم مساله نبود؟ این که بگن چرا قربونی نبریدن؟
نه برای من مسئله ای نیست. به همین دلیل از مهرانه خواستم برام تاج گل بفرستن و قصد جا انداختن این مساله در جامعه رو داشتم و امیدوارم با این کار زوج های جوون ما به جای قربونی کردن، هزینه شون رو به مهرانه ببخشن و کم کم در جامعه رواج پیدا کنه.

رسم مهربانی از چهار





سوی شهر پیدا است





مهرانه فرای مرزها

■ سلام آقای رحمتی؛ ممنون که وقتتون رو به ما دادین.

سلام. خواهش می‌کنم. من در خدمتم.

■ آقای رحمتی با توجه به این‌که در عرصه فرهنگ و هنر زنجان و ایران، ما با تعداد رحمتی‌ها مواجه هستیم، خواهش می‌کنم کامل خودتون و تخصصتون رو معرفی کنید.

من جمال رحمتی هستم. سومین فرزند از هفت پسر خانواده. کارگردان، مدرس دانشگاه و روزنامه‌نگار.

■ می‌دونین لوگوی مهرانه کار یک رحمتیه؟ بله از کارهای خیلی خوب برادرم جلال هست و شخصا خیلی می‌پسندم این طرح رو.

■ می‌دونم که دائم در حال رفت و آمد از تهران به زنجان هستین؛ هر بار چقدر حضور مهرانه رو پررنگ‌تر دیدین؟

خوشبختانه تقریباً هر بار یک رنگ و نشان جدیدی از مهرانه دیدم و این نشان از پویایی این انجمن داره و خیلی ارزشمند. در زمینه ورزش هم در جاهای مختلف شهر بنرهایی نصب شده که اهمیت ورزش و سلامتی رو یادآوری می‌کنه و تا جایی که خبر دارم ورزش همگانی مهرانه هم هر هفته پررنگ‌تر و پر شور تر

برگزار می‌شه.

■ به عنوان فردی که در حوزه فرهنگ و رسانه فعالیت دارین؛ به نظر تون چقدر مؤثره که مهرانه از طریق فعالیت‌های فرهنگی به بیماران کمک کند؟

سوال سختیه ولی می‌شه گفت با توجه به این‌که زنجان پیشینه فرهنگی خوبی داره و مردم زنجان تا به امروز خروجی فرهنگی و هنری خوبی به فرهنگ و هنر این مملکت ارائه دادن؛ به نظر من انتخاب به‌جا و هوشمندانه‌ای بوده و طبق تجربه‌های خودم می‌تونم بگم که کار فرهنگی در زنجان خوب جواب می‌ده.

■ برنامه خاصی به نظر تون می‌رسه که پیشنهاد بدین مهرانه انجام بده و یا شما دوست داشته باشین از طریق مهرانه انجام بشه؟

در تمام حوزه‌های هنری می‌شه در این زمینه فعالیت کرد و بسته به این‌که تو چه فصلی از سال و تو چه شرایطی باشیم، می‌شه برنامه‌ریزی کرد. در کل هر کار فرهنگی که به نوعی با مشارکت اجتماعی مردم در قالب یک کار گروهی انجام بشه و یک مشارکت جمعی رو حاصل کنه، قطعاً اتفاق خوبی خواهد بود. با توجه به مشغله‌هایی که در تهران دارم فرصت فکر کردن به این موضوع رو نداشتم ولی اگر جایی کمکی از دستم بر بیاد، خوشحال می‌شم در خدمت باشم.

■ کاری یا طرحی در مورد کمک یا دست‌گیری هم تو مجموعه کارها تون دارین؟

خب من سال‌هاست دارم کار می‌کنم و به‌طور طبیعی بخشی از کارهایی که انجام دادم و یکی از دغدغه‌هایی که دارم مسائل مربوط به هم‌زیستی خوب آدم‌ها کنار هم هست. به نوعی می‌شه گفت به‌طور مستقیم با همین موضوعاتی که فرمودین مرتبطه.

■ با توجه به این‌که تو کلینیک مهرانه از کل ایران و از فرهنگ‌ها و قومیت‌های مختلف بیمار پذیرش می‌شه؛ کمک

به هم‌نوع از دید شما چه تعریفی داره؟ به نظر تون شرایط خاصی

می‌طلبه؟

کمک به هم‌نوع از مرزها و تقسیم‌بندی‌هاییکه روی کاغذ هست و به دلایل سیاسی و جغرافیایی و یا تفاوت‌های زبانی، فرهنگی و نژادیکه دچارش هستیم؛ فراتر هست. همه‌ی ما انسانیم و مسائل انسانی هم در تمام دنیا مشترکه... من فکر می‌کنم انسانیت هیچ‌وقت در بند این مرزبندی‌ها و تعصب‌ها نخواهد بود.

■ با توجه به این‌که خواننده‌های ما شامل بیمارامون و خیرین و خانواده‌ها هستن، معمولاً از فعالین حوزه‌های فرهنگی می‌خوایم که در این زمینه یک کتاب، آلبوم موسیقی یا یک فیلم معرفی کنن. شما چه توصیه‌ای در این زمینه دارین؟

من کتاب "رومن به روایت پولانسکی" رو پیشنهاد می‌کنم که داستان زندگی شخصی هست که در کودکی و طی جنگ جهانی دوم، مادرش رو از دست می‌ده و پدرش رو هم از دست می‌کنه. در واقع روایت یک پیروزی جانانه‌ست در برابر سختی‌ها و به نظرم تناسب داره با شرایط سختی که این بیماران تجربه می‌کنن. در مورد فیلم هم باز ترجیح من فیلم "پیانیسست" از پولانسکی هست که اون هم پیرامون امید و پیروزی هست. در زمینه موسیقی هم اگر بخوام انتخاب کنم، گروه اوهام رو پیشنهاد می‌دم که تم جنوبی داره و فضای حاکمش جاز هست. این گروه با تلفیق موسیقی جاز و محلی کارهای خوبی کرده که فکر می‌کنم جاش تو موسیقی کشور ما خالی بود.

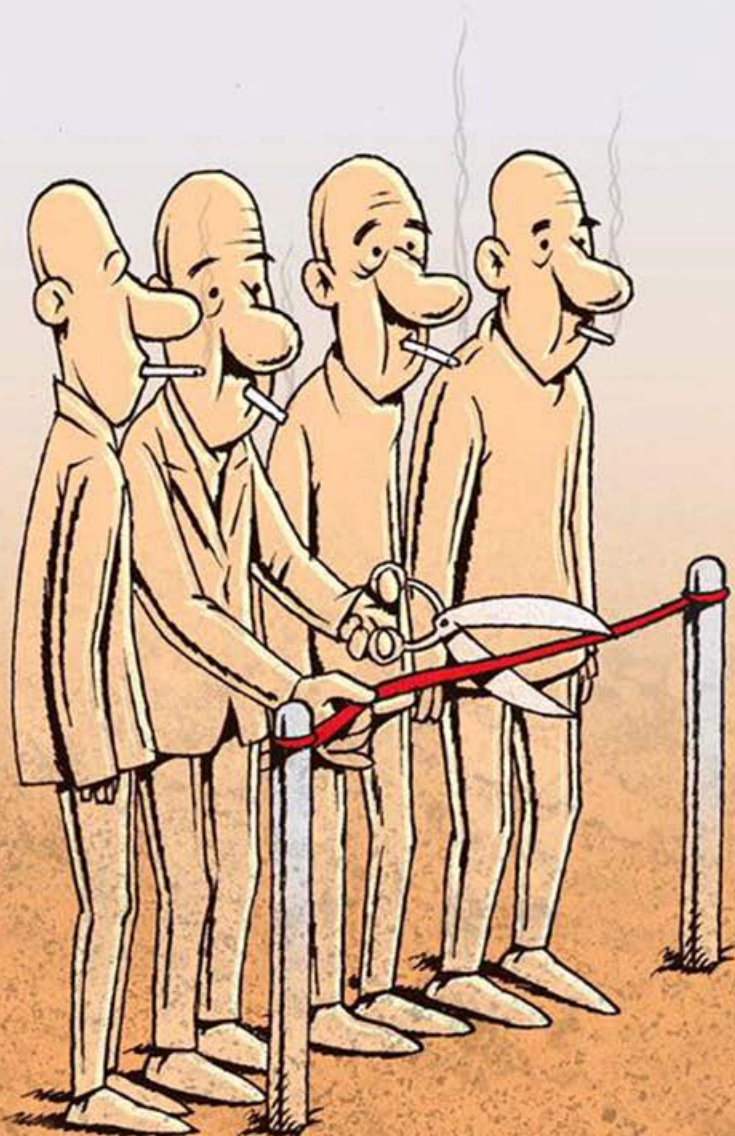
■ مواقعی که چیزی ناراحت یا ناامیدتون می‌کنه، خاطره یا مثال بارزی تو ذهنتون هست که آرومتون کنه؟ و یا شعری که تودهننتون بدرخشه و بهتون امید بده... نمونه‌ای دارید که تقسیم کنید با ما؟

در دوران دانشجوییم یک آقای اهل سیستان و بلوچستان بود. معلولیت جسمی داشت و با موتور سه چرخ جابه‌جا می‌شد. با این حال سرحال‌ترین و سرزنده‌ترین فرد دانشکده، ایشون بود. فامیلیشون راشکی بود و همیشه به شوخی می‌گفت که من اگه پیر بشم می‌شم پیراشکی... شاید بدیهی شدن نعمت‌ها مشکل بزرگیه که خیلی از ماها گرفتارش هستیم و همیشه به این فکر می‌کنم که ما کلی نعمت‌های ارزشمند مثل سلامتی و خانواده داریم که می‌تونه غالب شه به همه‌ی ناامیدی‌هامون.





از خودمون شروع می‌کنیم ...



سفیران سلا مت...

مهرانه از خزر تا خلیج فارس

مصاحبه با آقای سینا صفری

تصمیم رو عملی کردم و در حین مسیر هم هر روز بهم زنگ می‌زدن و دلگرمی می‌دادن.

چند تا کلمه میگم اولین چیزی که به ذهنتون میرسه بدون اینکه فکر کنید به ما بگید.

بیماری سرطان

اول به نظرم ترسناک بود اما از وقتی که مهرانه رو شناختم دیدم نسبت به سرطان عوض شده و متوجه شدم با اقدام به موقع و کمک گرفتن از خیریه‌هایی مثل مهرانه که انسان دوستی در اون موج میزنه میشه با این بیماری مقابله کرد و به این نتیجه رسیدم که ترسناک نیست.

• مهرانه

امید، نوع دوستی، مهربونی

• دوچرخه سواری

لذت، عشق

• کتاب خواندن

من قبلا خیلی کتاب نمی‌خوندم ولی الان می‌خونم چون توش علم و تجربه‌ی زیادی نهفته.

• موسیقی

آرامش بخش

• دریا

وسعت بی پایان

• مادر

وصف نشدنی، مهربونی

• پدر

ایشان

اگه چشماتونو ببندید و به دنیا گوش بدید چه صدایی از دنیا می‌شنوید؟

بین همه‌ی ظلم‌ها و جنگ‌هایی که تو دنیا هست من صدای پای امید رو می‌شنوم برای برقراری صلح و دوستی و آرامش تو دنیا.

من نوعی برای برقراری صلح و دوستی در جهان چی کار می‌تونم بکنم؟

به نظر من اگر هر کس از خودش شروع کنه و اصل دموکراسی رو در کوچکترین رفتارهاش رعایت کنه می‌تونه آرامش و صلح رو به دنیا برگردونه. همین که به حقوق دیگران احترام بگذاریم و اون رو قبول کنیم یعنی اصل دموکراسی رو رعایت کردیم. علاوه بر این

یه بار هم روز آخر سفرم بود و مسیرم ۱۱۲ کیلومتر بود از بستک تا بندر چارک که دمای هوا ۳۸ درجه و رطوبتش ۸۰ درصد بود، باد هم مخالف حرکت من می‌وزید و مسیر هم سربالایی و پر گردنه بود. تقریباً ۷۰ کیلومتر پیش رفته بودم که رطوبت خیلی زیاد شد و داشت مانع حرکت من میشد سرمو انداختم پایین و مدام با خودم تکرار می‌کردم که سینا تو میتونی تا اینکه دریا رو دیدم حسی که اون لحظه داشتم وصف نشدنیه چون هم یه روز خیلی سخت و پشت سر گذاشته بودم و هم آخر سفرم بود.

تو سختی‌های سفرتون چی بیشتر از همه بهتون انگیزه میداد تا سفر رو ادامه بدین؟

من خودم تصمیم به انجام همهچیزن کاری گرفتم و چون کاملاً انتخاب خودم بود تو سختی‌هاش هم دائم این تو فکرم بود که هر لحظه دارم به هدفم نزدیک‌تر میشم و به این باور درونی رسیدم که من همه این سختی تحمل می‌کنم تا به هدفی که خودم انتخاب کردم برسم و با این باور سختی‌ها برام لذت‌بخش بود چراکه ارزشون تجربه گرفتنم تا در مشکلات مشابه بهتر عمل کنم.

مثل اینکه تو تو بخشی از مسیر همسفر هم داشتین؟

بله زمانی که داشتم از سمت لنگرود به رامسر می‌رفتم یکی صدام زد، یه آقای سوئدی بود به نام کاله که ازم آب خواست و اینطور آشنا شدیم ۳ روز باهم، هم مسیر شدیم. ایشان دور دنیا رو می‌گشتن و پیامی به نفع بی‌خانمان‌ها داشتن.

از جذابیت‌های سفرتون هم برامون می‌گید؟ از جذابیت‌های سفرم دیدن مردم، با فرهنگ‌ها و زبان‌های مختلف بود اما چیزی که بین همه‌ی این‌ها مشترک بود مهربونی، مهمون‌نوازی و دید خیلی خوب مردم نسبت به کاری که من انجام می‌دادم بود.

نظر خوادتون درباره‌ی سفر خزر تا خلیج فارس چی بود؟

من ۳ سال بود که نیت این سفر رو داشتم اما به دلیل اینکه خانواده‌ی ما متأسفانه تجربه‌ی تلخ تصاف داشته، اولش پدر و مادرم مخالف بودن. مدتی طول کشید تا راضی بشن و همین شد که سال سوم من

خودتون رو معرفی می‌کنید؟

سینا صفری هستم ۲۳ سالمه.

درباره‌ی سفر خزر تا خلیج فارس یه توضیحی میدین؟

قبلاً یه شناختی درباره مهرانه داشتم به همین دلیل علاقمند بودم بقیه‌ی مردم ایران هم مهرانه رو بشناسن. همین شد که تصمیم گرفتم سفری رو شروع کنم و در مسیر هر کسی رو که می‌بینم مهرانه رو بهشون معرفی کنم. برای من جالب این بود که بعضی‌ها حتی این انجمن رو از قبل می‌شناختن و خیلی از مردم هم شماره حساب مهرانه رو برای کمک می‌خواستن من هم بهشون می‌دادم.

مهرانه رو چطور معرفی می‌کردین و از کدوم فعالیت‌هاش می‌گفتین؟

من از نزدیک شناخت کامل از مهرانه نداشتم اما بروشورها و مجله‌هایی از مهرانه رو که در اختیار من گذاشته بودن مطالعه کردم و از فعالیت‌های افتتاح کلینیک رادیوتراپی، درمانگاه شیمی درمانی، اسکان رایگان بیماران در زنجان و تهران در نزدیکی کلینیک و ارایه خدمات مهرانه به افراد در سنن مختلف و... اطلاع پیدا کردم که خیلی هم مورد استقبال مردم قرار می‌گرفت.

سفرتون رو کی شروع کردین؟

سفر من از ۱۷ تیر شروع شد و تا ۲۱ مرداد ادامه داشت. من سفر رو ۳۸ روزه برنامه ریزی کرده بودم ولی ۲ روز زودتر تموم شد. ۶ روز استراحت داشتم در طول مسیر که ۱ روزش در آمل ۲ روز تهران ۲ روز اصفهان و ۱ روز هم در شیراز بود.

از سختی‌های سفرتون بگید.

تقریباً روز سیزدهم یا چهاردهم سفرم بود که می‌خواستیم از تهران به سمت قم برم. مسیرم ۱۵۳ کیلومتر بود ساعت ۱۲ ظهر بود که از تهران راه افتادم و حدود ساعت ۱ شب بود که نزدیک قم شده بودم و تو همین حوالی چند تا سگ بهم حمله کردن که به سختی از دستشون خلاص شدم و هر چقدر این مسیر و میرفتم نمی‌رسیدم انگار راه طولانی‌تر شده بود و مسیر هم همش سربالایی بود. بعد از طی این مسیر به قم که رسیدم خیلی حس خوبی داشتم.



اهتزازپرچم مهرانه در قله کوه "کازیک" گرجستان محمدحسین اسداللهی، بهنام رزاقی، سعید شمس، جوادشمس، مژده صفایی و سولماز نجفی از ورزشکاران و یاوران عزیز مهرانه، با صعود به قله کوه "کازیک" گرجستان پرچم این مجموعه را برای حمایت از بیماران مبتلا به سرطان به اهتزاز درآوردند.



یاور مهرانه در مسابقات روئینگ قهرمانی آسیا با کسب دو مدال طلا و نقره برای ایران افتخار آفرید. در این مسابقات که در پاتایا-تایلند برگزار شد، سیدمسعود محمدی، پاروزن مهرانه‌ای و هم‌تیمی‌هایش در قالب تیم ۴ و ۲ نفره روئینگ به ترتیب صاحب مدال طلا و نقره شد. مجموعه مهرانه بر خود وظیفه می‌داند این موفقیت ارزشمند را به سید مسعود محمدی، سفیر مهرانه و کسب مدال طلای مهسا جاور، یاور مهرانه‌ای در قالب تیم روئینگ چهارنفره جفت پاروی سنگین وزن بانوان را تبریک گوید.

گلستان و تهران و باخت در مقابل تیم کرمانشاه موفق شدند مقام سوم دو نفره کشور را کسب نمایند. در مراسم تقدیر دست اندرکاران مهرانه از "محمدضاباقری" که پس از اتمام ورزش صبحگاهی این مجموعه برگزار گردید، این یاور ورزشکار مهرانه موفقیت خود را حاصل دعای تک تک مردم عنوان کرد و با اشاره به برگزاری مسابقات آسیایی که شهریور ماه سال ۹۶ برگزار خواهد شد بر لزوم حمایت از بیماران مبتلا به سرطان تاکید کرد. "مهندس وثوق"، مدیر عامل مهرانه ضمن ارزشمند دانستن حضور ورزشکارانی نظیر محمدرضا باقری در میادین ورزشی با عنوان "سفیر مهرانه" از تمامی ورزشکاران خواست تا مردمی‌تر باشند و در پایان مدال برنز این ورزشکار در موزه ورزش مهرانه جای گرفت.



مدال طلا و نقره برگردن سفیران مهرانه در مسابقات دو و میدانی پیشکسوتان کشور "آقایان نقی سالک و خلیل اشرفی" از پیشکسوتان ارزنده زنجان به عنوان سفیران مهرانه موفق شدند به ترتیب مدال طلای ماده‌های ۱۰۰ متر و پرش طول در رده سنی سوم و مدال نقره ماده ۱۰۰ متر در رده سنی چهارم مسابقات دو و میدانی پیشکسوتان کشور را کسب نمایند.



یاوران ورزشکار مهرانه با اهتزاز پرچم این مجموعه در قله سبلان تأکید کردند که مهرانه؛ بی‌شک نامی جهانی خواهد بود.

محسن اسدی، یکی از اعضای این گروه ۴ نفره با بیان اینکه "پدرخانم (آقای قهرمان حیدری) ازبیماران تحت پوشش مهرانه بوده و از خدمات مرکز رادیوترابی این مجموعه بهره‌مند شده است" گفت: مهرانه افتخار استان و کشور است؛ من و همسرم، آیدا حیدری (دیگر عضو این گروه ۴ نفره) بر خود وظیفه می‌دانیم که حداقل‌ها را برای این مجموعه انجام دهیم. (اعضا گروه: آیدا حیدری، فرانک قاسمی، امیر شهپرست، محسن اسدی)



سفیر مهرانه در اولین دور مسابقات رنکینگ بدمیتون مردان کشور رده سنی بزرگسالان به مقام سوم رسید محمدرضا باقری (سفیرمهرانه) و پارتنر وی علی حسین خانی در جدول اصلی اولین دور مسابقات رنکینگ بدمیتون مردان کشور رده سنی بزرگسالان پس از سه روز رقابت نفس‌گیر با برد تیم‌های شیراز،

برون مرزی طی کنم و به مردم خارج از ایران هم مهرانه رو بشناسونم.

■ صحبت پایانی شمارو میشنوم. امیدوارم این کار کوچیک من به امیددی در دل بیماران مبتلا به سرطان ایجاد کنه و واقعا کارهای من و امثال من شاید کوچیک باشن اما همین که به این افراد دلگرمی بده برامون کافیه.

■ شما به عنوان سفیر مهربانی برنامه آینده تون برای مهرانه چیه؟

من برای سال آینده ۲ تا هدف در نظر گرفتم که فعلا برنامه‌ریزی نکردم براشون اولی این که تو تعطیلات عید از دریای عمان شروع کنم و خط ساحلی خلیج فارس رو طی کنم تا به آبادان برسم که تقریباً یک مسیر ۲۰۰۰ کیلومتری رو باید طی کنم و در مسیر مهرانه رو به همه معرفی کنم. دومین هدفم هم برای تابستون سال بعد هستش که در نظر دارم یک مسیر

موضوع، اخلاق‌مداری هم مساله‌ی مهمی هستش که باعث میشه همه‌ی انسان‌ها با هر دین و مذهبی کنار هم زندگی خوبی داشته باشن.

■ به نظر تون ورزشکارها چطوری میتونن به خیریه‌هایی مثل مهرانه کمک کنن؟

ورزشکارهای معروف میتونن فقط با حضورشون تو این موسسه‌ها حمایتشون رو اعلام کنن و کمک بزرگی به خیریه‌ها بکنن چرا که از محبوبیت بین مردم برخوردارن.



وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی
پس از استماع گزارش اقدامات ۱۰ ساله **مهرانه**:

مهرانه دیار کریمان است



خرید دو دستگاه رادیوتراپی از شرکت
زیمنس آلمان مدل انکور ۹۸ میلیارد ریال
، هزینه دستگاه سی تی سیمولاتور از شرکت
زیمنس آلمان و لیزر متحرک پنج نقطه از
شرکت سیرپا فرانسه ۲۰ میلیارد و ۲۵۰
میلیون ریال بوده است.

وی ادامه داد: ساخت فاز اول در زمانبندی ۲
ساله شروع و به اتمام رسید با راه اندازی فاز
اول استان زنجان جزو استان هایی که کلیه
خدمات درمانی مربوط به بیماران مبتلا به
سرطان را در داخل استان ارائه می دهد قرار
گرفته است.

مهندس گرانیماه خاطرنشان کرد: مهرانه
زنجان ۱۰۰ هزار خیر دارد که این مهم در
دنیا بی نظیر است، کلینیک رادیوتراپی این
مجموعه با استقرار دستگاه های فوق پیشرفته
که به همت خیران این مجموعه در اوج
تحریم خریداری شده است به بیماران سراسر
کشور خدمات باکیفیت درمانی ارائه می دهد.
وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در نشست با
خبرنگاران استان زنجان اعلام کرد:

با صدای بلند اعلام می کنیم؛ زنجان با وجود
مهرانه و ۱۰۰ هزار خیرش دیار کریمان است
سیدرضا صالحی امیری، وزیر فرهنگ و ارشاد
اسلامی پس از بازدید از مرکز رادیوتراپی
مهرانه که به همراه اسداله درویش امیری،
استاندار و جمعی از مسئولین وزارتخانه و اداره
کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان صورت
گرفت در نشست خبری با خبرنگاران استان
حضور یافت.

وی با اشاره به عقبه تاریخی و فرهنگی زنجان
و حضور فعال مردمان این خطه در آیین های
اسلامی و مذهبی گفت: همراهی ۱۰۰ هزار
خیر مهرانه ای و حمایت از بیماران مبتلا به
سرطان بیانگر توجه مردم زنجان به امور
خیریه و انساندوستانه است.

دکتر صالحی امیری ضمن گرامیداشت دهه
کرامت افزود: "با صدای بلند اعلام می کنیم
که زنجان با وجود **مهرانه و ۱۰۰ هزار خیرش**
دیار کریمان است، از همین تریبون ارادت
خود را به دست اندرکاران و خیران مهرانه
اعلام می دارم."

■ مدیرعامل انجمن مهرانه پنجشنبه ۵
مرداد ماه ۹۶ در بازدید وزیر فرهنگ و ارشاد
اسلامی از این مجموعه گفت: انجمن حمایت
از بیماران مبتلا به سرطان استان زنجان
در شهریور ماه سال ۱۳۸۵ با همت والای
خیرین زنجان شکل گرفت و پس از اخذ
مجوزهای قانونی از آذرماه همان سال فعالیت
های خود را در سطح استان زنجان آغاز نمود.
وی تصریح کرد: در حال حاضر این مجموعه
دارای ۴ دفتر در سطح شهر زنجان می باشد
علاوه بر این در ۹ شهر و شهرستان استان و ۲
دفتر در شهرستان های بیجار استان کردستان
و تکاب استان آذربایجان غربی نیز دفاتر
مهرانه مشغول به کار هستند.

مهندس وثوق افزود: مهرانه تشکلی است
غیردولتی، غیرسیاسی و غیرانتفاعی که با
اتکا به فضل خداوند و مشارکت و حمایت
مردم نیکوکار بر آن است تا با یاری نیروهای
داوطلب مردمی امکان بهبودی بیماران مبتلا
به سرطان را بیش از پیش فراهم نموده و از
طریق ارتقاء کتبی و کیفی سلامت جسمی
و روانی بیماران، روح امید به زندگی را در
آنان ایجاد نماید. هم اکنون مهرانه کانون پر
مهر و پناهگاهی مطمئن برای بیماران مبتلا
به سرطان این دیار تلقی می شود که اعضاء
آن برای کاستن آلام بیماران از هیچ کوششی
فروگذار نمی کنند. فرهنگ حاکم بر مهرانه،
اعتماد کامل به ارزشهای والای انسانی،
اسلامی، نوع دوستی، فداکاری، یکپارچگی
درونی و تعهد است.

مهندس جواد گرانیماه، مسول کلینیک مهرانه
در این بازدید ابراز کرد: مرکز تشخیصی
درمانی تخصصی سرطان و رادیوتراپی
مهرانه جهت برآورد کلیه نیازهای بیماران
مبتلا به سرطان، در زمینی به مساحت ۱۸
هزار و ۹۰۰ مترمربع طراحی و احداث شده
است. از این مقدار فضا، ۱۲ هزار متر مربع
به فضاهای تحقیقاتی، آموزش و پیشگیری،
تشخیصی و درمانی اختصاص داده شده است.
همچنین ۱۸۰۰ مترمربع نیز به فضای اقامتی
(مهمانسرا) اختصاص داده شده است.

فاز اول این کلینیک با هزینه بالغ بر ۲۴۰
میلیارد ریال احداث شده، که فقط هزینه



بزرگداشت



این روزها به واسطه دنیای مجازی و رسانه‌ها، اخبار مختلف در شهرهای کوچک هم بازتابی جهانی دارند. به‌طور معمول توجه به این خبرها یک هفته بیشتر طول نمی‌کشد. اما در این میان خبرهایی هست که تاریخ مصرف ندارند یا بهتر است بگویم افرادی هستند که اخبار در مورد آن‌ها فراموش‌شدنی نیست.

مریم میرزاخانی یکی از آن‌هاست که این روزها تیتراژی از روزنامه‌ها و رسانه‌های محلی و بین‌المللی بوده و هست.

تقویم را که ورق می‌زدیم باعث شد ذهنم درگیر یک مسئله مرتبط شود. با کمال تعجب دیدم که این روزها مصادف با سالگرد سهروردی هم هست، اندیشمند و فیلسوفی که در جوانی با زندگی وداع کرد.

با خودم می‌گویم بی‌شک خبر و زندگی مریم میرزاخانی در تاریخ همچون سهروردی ماندگار خواهد ماند، ولی نه از بُعد تراژدیک آن. بی‌شک جوانان زیادی طی تاریخ بوده‌اند و هستند که ما به طرزی ناباورانه آن‌ها را از دست داده‌ایم و این خود غم بزرگی است. اما امثال سهروردی‌ها و میرزاخانی‌ها از بابت خدماتی که از خود به جا گذاشته‌اند، همواره در ذهن ما جا دارند و این خود باید علتی باشد تا بیشتر در زندگی، عملکرد و دستاوردهای آن‌ها توجه و مطالعه کنیم. شاید بهترین ادای احترام به آن‌ها این باشد که سعی کنیم از لحظاتمان درست‌تر و مفیدتر بهره ببریم و یاد این عزیزان را در ذهن، زنده نگه داریم. نه به‌خاطر سرنوشت تراژدیک آن‌ها، بلکه به واسطه نگاه متفاوتی که به دنیا و زندگی داشته و برای ما به جا گذاشته‌اند؛ یادشان در تاریخ همیشه زنده خواهد ماند.

بیاد مریم میرزاخانی و شیخ شهاب‌الدین سهروردی



طرح از شهاب جعفرنژاد

بازدید مجازی



■ امکان بازدید مجازی از کلینیک تخصصی انجمن حمایت از بیماران مبتلا به سرطان (مهرانه) از طریق وب سایت این مجموعه فراهم شد.

این امکان در ۲ فاز تعریف شده است به طوری که شما عزیزان در فاز اولیه تمامی فضاهای مربوط به مرکز رادیوتراپی، مهمانسرا، واحد پیشگیری و سالن همایش‌های بین المللی مهرانه را همراه با پخش موسیقی تماشا خواهید کرد.

در فاز ۲ که همزمان با راه‌اندازی بخش شیمی درمانی مهرانه رونمایی خواهد شد توضیحات مربوط به تمامی بخش‌های این کلینیک از طریق صداگذاری ارائه می شود.

آدرس بازدید مجازی از مهرانه

<http://www.mehranehcharity.ir/cms/46253>



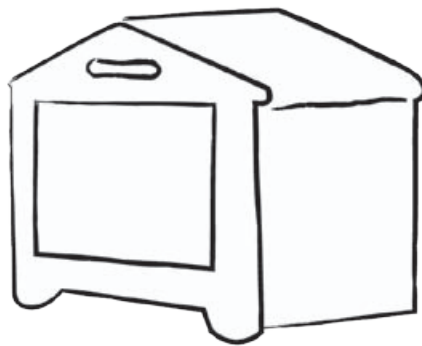


نمیتوانید خوشبختی را
بخرید،

ولی کتاب را چرا

و این دو کمابیش یک چیز هستند.

هر قلمک
زندگی ۱



۱۱۲۲

شماره جاری بانک تجارت

دوتا ۱ دوتا ۲

شماره حساب های انجمن مهرانه

شماره کارت بانک ملی: ۶۰۳۷۹۹۱۱۹۹۵۱۰۸۵۴

بانک رفاه: ۳۵۰۰۰۳۵۰۰۰

گروه نشریه:

سر دبیر: علیرضا علیخانی

تحریریه: نگین وثوق

بازبینی مطالب: مینا میرزاتجفی زنجانی

مصاحبه: افسانه کاغذچی

مطالب خبری: محمد گرجی

مطالب غیر خبری: زهرا رجبی

ویراستار: لیلا یوسفی

عکاس: امین بیگلری

عکس جلد: محمد محمدیها

گرافیک: کانون رسا

سیدمحمد رضا حقگو، مسعود رضایی

● دفتر مرکزی: انصاریه، تقاطع خیابان بوعلی سینا و بوستان هفتم

کد پستی: ۴۵۱۵۷۴۳۵۵۱

تلفن: ۰۲۴-۳۳۷۸۱۹۱۲-۱۵

نمابر (فکس): ۰۲۴-۳۳۷۸۱۹۱۶

● دفتر تهران: تهران، خیابان ستارخان، خیابان پاتریس لومومبا،

انتهای سروناز، کوچه امیری، پلاک ۲۱، مهمانسرای مهرانه

تلفن: ۰۲۱-۶۶۹۱۳۷۰۱



telegram.me/mehranehcharity
instagram.com/mehraneh_charity

پست الکترونیک: info@mehranehcharity.ir
وب سایت: www.mehranehcharity.ir